

Stages of Creation in *Gāhān*

Mina Kambin^{*}, Zohreh Zarshenas^{**}

Farzaneh Ghoshtasb^{***}

Abstract

The most important concept of religions is “creation” which can show the most important part of their followers' worldview. *Gāhān* is a part of Avesta which considers creation more than other part, such a way that, it can be said creation is the main contents of *Gāhān*. As regards that creation has been studied from the perspective of mythology. So it seems important to display *Gāhān* approach to creation. Expressions such as “generating”, “creating” and “constructing” were used to express the quality of creation and each of them had special view to creation in different condition. In order to clarify creation quality in *Gāhān*, in this paper, creation concept will be studied according to these three words and by comparing their application it will be deduced that there was a belief in the existence of three different stages of creation that started with “generating” then its requirements were donated and finally its components were constructed and the first generating was called as “primal existence” and it belonged only to Ormazd. Such attitude shows a mystical view of creation.

Keywords: Ahurāmazdā, Creation, *Gāhān*, Manifestation, Primal Existence.

^{*} PhD Candidate of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author), minakambin@yahoo.com.

^{**} The Professor of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, zzarshenas@gmail.com.

^{***} The Associate Professor of Ancient Culture and Languages, Institute for Humanities and Cultural Studies, ghoshtasbfarzaneh@gmail.com.

Date received: 2021/01/07, Date of acceptance: 2021/04/03



مراتب آفرینش در گاهان

مینا کامبین*

زهره زرشناس**، فرزانه گشتاسب***

چکیده

آفرینش یکی از اساسی‌ترین موضوعات هر دینی به‌شمار می‌رود که نمایان‌گر بخش مهمی از جهان‌بینی پیروان آن است. گاهان بخشی از اوستاست که نسبت به سایر بخش‌ها بیش‌تر به چگونگی آفرینش پرداخته است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت آفرینش یکی از مضامین مهم گاهانی به‌شمار می‌رود. با توجه به این‌که آفرینش در دین زردشتی بیش‌تر از منظر اسطوره‌شناسی بررسی شده است، ضروری به‌نظر می‌رسد که دیدگاه گاهان نیز در این مورد روشن شود. در گاهان، برای بیان چگونگی آفرینش، از اصطلاحاتی چون زاییدن، آفریدن، و ساختن استفاده می‌شود که هرکدام در جای خود نگاه متفاوتی به آفرینش را می‌رساند. به‌منظور روشن‌ساختن چگونگی رخداد آفرینش در گاهان، در مقاله حاضر، مفهوم آفرینش، با توجه به سه واژه نام‌برده، بررسی شده است و با مقایسه کاربرد آن‌ها نتیجه‌گیری می‌شود که در گاهان باور به وجود سه مرحله مختلف از آفرینش دیده می‌شود که با زایش آغاز و سپس ملزومات آن بخشیده و در نهایت اجزای آن ساخته می‌شده است و زایش آغازین، که با اصطلاح «هستی نخستین» بیان می‌شود، فقط به اورمزد منحصر بوده است. این نگرش دیدگاهی عرفانی را به مقوله آفرینش نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: آفرینش، اهورامزدا، تجلی، گاهان، هستی نخستین.

* دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
minakambin@yahoo.com

** استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
zzarshenas@gmail.com

*** دانشیار فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
goshtasbfarzaneh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴



۱. مقدمه

آفرینش از مقولات بنیادین همه ادیان است. هر دینی، بنابر شرایط محیط و فضایی که در آن وحی آسمانی نازل شده، به شکلی ویژه به مسئله آفرینش پرداخته است. آفرینش معمولاً ساخت و پرداخت هستی دانسته می‌شود. در باورهای مزدیسنا، اورمزد آفریننده یکتاست و اسطوره‌های آفرینش به شرح چگونگی آفرینش اورمزدی پرداخته‌اند. در بخش‌های مختلف کتاب مقدس *اوستا*، به اشکال مختلفی به موضوع آفرینش پرداخته شده است که نشان از چگونگی رویکرد مزدیسنان به خلقت دارد. به‌ویژه در *گاهان* موضوع آفرینش به گونه‌ای مدنظر بوده است که می‌توان آفرینش را یکی از مفاهیم اصلی متون گاهانی دانست. در *گاهان*، برای بیان مقصود آفرینش، به سه ریشه مختلف برمی‌خوریم: ریشه *dā-* به معنی «قراردادن» و «بخشیدن»، ریشه *taš-* به معنی «ساختن»، و ریشه *zā-* به معنی «زاییدن»، که به مورد آخر کم‌تر توجه شده است.^۱ افزون‌بر آن، در *گاهان* به اصطلاح «هستی نخستین = *anhu pouruiia*» برمی‌خوریم که مفهوم آن، به لحاظ معنایی، با «آفرینش» و «زایش» پیوند مستقیم دارد. بدین ترتیب که برای درک آفرینش در *گاهان* دانستن مفهوم آن ضروری است و نیز به آفرینش از طریق سخن گفتن^۲ اشاره شده است. با توجه به آنچه گذشت، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که مفاهیم متفاوتی از آفرینش در *گاهان* مدنظر بوده است که هر کدام سطوح و مراتب مختلفی را مطرح می‌کنند و اگر چنین باشد، آیا می‌توان تکامل آفرینش را در *گاهان* به چند مرحله تقسیم کرد؟ به منظور پاسخ‌گویی، باید ابیاتی که این مضامین در آن‌ها به کار رفته است استخراج و با یکدیگر قیاس شوند تا بدین وسیله بتوانیم تفاوت آن‌ها را دریابیم و مفاهیم مختلف آفرینش را از دیدگاه *گاهان* موشکافانه بررسی کنیم. از آن‌جا که بیش‌تر پژوهش‌هایی که در زمینه آفرینش در دین زردشتی صورت گرفته متن‌های فارسی میانه و اسطوره‌های آفرینش را در نظر گرفته‌اند، ضروری به نظر می‌رسد که با دریافت کاربردهای مختلف سه فعل «بخشیدن = *dā-*»، «ساختن = *taš-*»، و «زاییدن = *zā-*» درک صحیح‌تری از دید گاهانی درباره چگونگی وقوع آفرینش به دست آوریم و چنان‌چه در این امر موفق شویم، یکی از مهم‌ترین مضامین دینی زردشتی آشکار خواهد شد که به درک بهتر آموزه‌های زردشت منتهی خواهد شد. مقاله حاضر تلاشی است برای بررسی تفاوت مفاهیم مربوط به آفرینش و کارکرد متفاوت هریک از آن‌ها به منظور روشن‌ساختن دیدگاه *گاهان* درباره آفرینش هستی. بدین منظور، نخست منابع کتاب‌خانه‌ای مربوط به موضوع مورد بحث گردآوری و شواهدی از *گاهان* حاوی مفاهیم و ریشه‌های مورد نظر ترجمه و مفاهیم به دست آمده تجزیه و تحلیل می‌شود. ضمناً، برای درک هرچه بهتر رموز پنهانی آن‌ها و در صورت نیاز، از مضامین عرفانی کمک گرفته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌گرانی که در زمینه آفرینش در دین زردشتی تحقیق کرده‌اند اسطوره‌های آفرینش را، که بیش‌تر در متون فارسی میانه یافت می‌شوند، مدنظر داشته‌اند که می‌توان از کتاب *زروان یا معمای زرتشتی‌گری* از رابرت چارلز زنر (۱۳۷۵) نام برد که در فصل پنجم، با عنوان «کیهان‌شناسی (۲) قطعات زروانی از فصل اول بندهش بزرگ»، به بررسی آفرینش براساس متن فارسی میانه بندهش پرداخته است. زنر در این فصل نخست آفرینش «زمان کرانه‌مند» و سپس پدیداری فیوضات پی‌درپی اورمزد و اهریمن را، که در پایان به سال آرمانی می‌رسد، توضیح می‌دهد. پس از آن چگونگی ورود آفرینش به جهان مادی، از سپهر تا کیومرث و آفرینش امشاسپندان، ایزدان، و دیوان را شرح می‌دهد و سه الگوی نخستین آفرینش، «نمونه نخستین خوبی مینوی»، «نمونه نخستین بدی مینوی»، و «نمونه نخستین مادی»، را تشخیص می‌دهد. او هم‌چنین آفرینش از طریق قربانی در سروده ودایی پوروша را با اسطوره ایرانی کیومرث می‌سنجد.^۳ کتاب *نخستین انسان و نخستین شهریار در افسانه‌های ایرانی* از آرتور کریستن‌سن (۱۳۷۷) نیز شامل شرح کاملی از اسطوره‌های آفرینش است که به‌ویژه به شرح اسطوره‌های مربوط به کیومرث و مشی و مشیانه و تکوین جهان و انسان پرداخته است.^۴ عالیخانی در کتابی با عنوان *بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی* نقش اورمزد را در آفرینش بررسی کرده است. او مفاهیم مزدا و اهوره را جدا از هم در نظر گرفته است و خلقت را به وجود این دو درکنار هم نسبت می‌دهد (عالیخانی ۱۳۷۹: ۷۴). ماریان موله (۱۳۹۵) نیز در فصلی با عنوان «جنبه‌هایی از کیهان‌شناسی زرتشتی»، در کتاب خود با نام *آیین، اسطوره، و کیهان‌شناسی در ایران باستان*، به بررسی آفرینش از دیدگاه متون گاهانی و سایر متون باستانی پرداخته است. او به آغاز زایشی هستی در گاهان اشاره و نیز آفرینش مینوی فزونی‌بخش را در گاهان بررسی می‌کند. او هم‌چنین آفرینش را در *ورشتمانسر نسک (varštmānsar-nask)* بررسی و با گاهان می‌سنجد و خطوط عمده آموزه زمان کرانه‌مند را به گاهان نسبت می‌دهد.^۵

بویس (Boyce 1975) نیز در جلد نخست کتاب خود، با عنوان *A History of Zoroastrianism*، به آفرینش از دیدگاه گاهان پرداخته است. او به آفرینش دو مینو اشاره کرده و اورمزد را تنها خدای ناآفریده و امشاسپندان را حاصل آفرینش اورمزد می‌داند. او هم‌چنین دیوان را زاییده و آفریده انگره‌مینو می‌داند. او هم‌چنین درباره آفرینش آسمان و زمین و آب و گیاه توضیح داده است و آن‌ها را جفت می‌داند، اما پژوهش‌گران حوزه دستور و ادبیات اوستایی معنی و مفهوم واژه آفرینش را بیش‌تر با ریشه dā- بررسی کرده‌اند، مانند کلنز

(Klens 1990: 6)، که در مقاله‌ای با عنوان “La Cosmogonie Mazdeenne Ancienne: Huttes Cosmiques en Iran” آفرینش در *اوستا* را بررسی کرده و باور دارد که در *اوستا* واژه‌ای برای آفریدن وجود ندارد و اورمزد را تنها به‌نظم‌درآورنده آشوب اولیه می‌داند، نه آفریننده. وست (West 2010) در مقدمه کتاب خود، با عنوان *The Hymns of Zoroaster, a New Translation of the Most Ancient Texts of Iran* به توضیحاتی درباره نقش اورمزد در آفرینش گاهانی پرداخته و اورمزد را تنها آفریننده گاهان و آفرینش او را از طریق اندیشه نیک می‌داند.^۷ آنتونیوز (Anthonioz 2017) در مقاله‌ای با عنوان “Création et Mazdéisme Confrontation des Conceptions Achéménide, Gāthique et Biblique” به بررسی آفرینش در گاهان پرداخته و آن را با کتیبه‌های هخامنشی قیاس کرده است و باور دارد که هخامنشیان هنر خود را مدلی از آفرینش اورمزدی می‌دانستند.^۸

شایگان (۱۳۷۵) در جلد نخست کتاب *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند* از خدای یگانه‌ای در ریگ ودا نام می‌برد که به سه عنوان مختلف «ویشوه‌کرم» (=višvakarman)، «پوروشه» (=puruša)، و «پرجاپاتی» (=prajāpati) نامیده می‌شود و سلسله‌مراتب آفرینش را حاوی سه اصل «فاعل»، «ماده اولیه»، و «نخستین موجود آفرینش» می‌داند.^۹ هم‌چنین، شمس و دیگران (۱۳۹۶) در کتاب *ادیان هند*، در فصلی با عنوان «آفرینش و کیهان‌شناسی»، دیدگاه وداها را در آفرینش بررسی کرده و از خدایانی چون «ورونه» (=varuṇa)، «ایندره» (=indra)، «پرجاپتی»، «ویشوه‌کرم»، و «پوروشه» نام می‌برد و نیز دیدگاه عرفانی به آفرینش را، که به‌صورت «تجلی» در سرود آفرینش مطرح می‌شود، توضیح داده است.^{۱۰}

۳. آفرینش و آفرینندگی در گاهان

احتمالاً دلیلی وجود دارد که مفهوم نخستین (paouruuiia-) در نظم سستی گاهان در یسن ۲۸، یسن آغازین گاهان، آمده است، اما کاملاً مشخص نیست که آیا این یسن در ابتدای گاهان توسط زردشت قرار گرفته یا در ویرایش به آغاز گاهان منتقل شده است (Humbach 1991: II, 16). در هر صورت، اشاره به هستی نخستین در یسن آغازین گاهان قابل تأمل است. در گاهان از آفرینش اورمزد با عنوان «هستی نخستین» یاد می‌شود.

نخستین بار در یسن ۲۸، بند ۱۱، به هستی نخستین اشاره می‌شود:

mainiiūš hacā ǝβā ǝǝñhā
yāiš ā anḥuš pouruiiō bauuaṭ (Y. 28/ 11. C).

برای سخن درباره مینو از طریق دهانت

با این [سخنانی] که برای هستی نخستین به وجود آمد (Humbach 1991: I, 119).^{۱۱}

در این قطعه، پیامبر از طریق دهان اورمزد سخن می گوید؛ شاید اشاره ای است به این که تنها اوست که از هستی نخستین (آفرینش) آگاه است. از سویی، این بند به آفرینش با «سخن» یا «کلام» اشاره می کند. از آن جاکه کلمات گاهانی را با «لوگوس» یا «کلام» الهی یکی می دانند و وجود آن را سابق بر وجود عالم و مایه پیدایی آن (عالیخانی ۱۳۷۹: ۸۱) و باتوجه به این حقیقت که تولید صوت و کلام از طریق حرکت امکان پذیر می شود، می توان تولید صوت و ساخت واژگان اولیه را به منزله نخستین حرکت آفریننده دانست که زایش «هستی نخستین» و فرآیند ظهور را سبب می شود.^{۱۲} عرفا نیز حرکت را لازمه تجلی شهودی و ایجاد سیر نزولی برای ظهور ممکنات می دانند.^{۱۳} بدین معنی که در فرآیند آفرینش عرفا به دو قوس صعودی و نزولی باور دارند که در قوس نزولی حرکت از وحدت به کثرت رخ داده و لازمه این قوس قهر و ظهور صفات جلالی حق است که حرکت به سمت کثرت را موجب می شود تا به نهایت کثرت و اوج قوس نزول برسد و پس از آن قوس صعودی و بازگشت به وحدت است که لازمه آن صفات مهری و جمالی حق است و حرکت از کثرت به وحدت را باعث می شود و این هردو بر اثر حرکت ممکن است.

در یسن ۳۱، بند ۸، از مزدا به عنوان «نخستین» و «جوان ترین» و «پدر اندیشه نیک» یاد شده است:

aṭ θβā mǝṛhī paouruuīm # mazdā yazūm stōi mananḥā
vanḥōuš ptaṛēm mananḥō # hiaṭ θβā hēm cašmainī grabēm (Y. 31/ 8/ a,b).

اکنون ای مزدا، تو را نخستین اندیشیده ام و جوان از راه اندیشه [ات]

آن گاه که ای مزدا، از برای ما آغاز (Humbach 1991: I, 128).

در یسن ۴۳، بند ۵، خطاب به اورمزد او را نخستین در زایش هستی می داند:

yaṭ θβā anḥōuš # zaθōi darəsəm paouruuīm (Y. 43/ 5/ b).

آن گاه که تو را نخستین در زایش هستی می بینم (ibid.: 152)، که اشاره به ازلی بودن اورمزد است.

در یسن ۴۴، بند ۲ و ۳، با پرسشی به بنیاد بهترین هستی اشاره می شود:

kaθā anḥōuš # vahištahiiā paouruuīm (Y. 44/ 2/ b).

چگونه است بنیاد بهترین هستی؟ (ibid.: 157).

ptā ašahiā pouruiō (Y. 44/ 3/ b).

چه کسی از طریق زایش نخستین پدر اشته است؟ (Humbach, 1991: I, 157).

در یسن ۴۵، بند ۳، از نخستین رمز هستی می‌گوید:

aṭ frauuaxšiiā # aṇhəuš ahiiā paouruuīm (Y. 45/ 3/ a).

اینک سخن خواهم گفت درباره این نخستین (رمز) هستی (ibid.: 164).

اگرچه این جا هومباخ واژه نخستین را مرتبط به رمز هستی می‌داند، می‌توان آن را اشاره به بنیاد هستی نیز دانست.

در یسن ۴۶، بند ۶، اهوره گمارنده نخستین دئناهاست:

hiiat daēnā # paouruiiā dā ahurā (Y. 46/ 6/ e).

از زمانی که تو دئناهای آغازین را گماردی، ای اهوره (ibid.: 169).

در یسن ۴۶، بند ۱۵، به قوانین نخستین، که توسط اهوره بنا شده، اشاره می‌شود:

yāiš dātāiš # paouruiiāiš ahurahiā (Y. 46/ 15/ d).

با آن [کارهایی] که با قوانین نخستین اهوره مطابق است (ibid.: 172).

aṭ axiiāi ašā # mazdā uruuarā vaxšaṭ

ahurō aṇhəuš # zaṇōi paouruiiehiā (Y. 48/ 6/ d, e).

مزدا گیاهان را برای او از طریق راستی برویاند

اهوره در زایش هستی نخستین (ibid.: 177).

در گاهان، درباره آفریننده‌ای سخن گفته شده که پیش از هر آفرینش دیگری حضور داشته و هستی او نخستین هستی قابل تصور برای شنوندگان است. می‌توانیم این هستی نخستین را اشاره‌ای به آفریننده‌ای ازلی بدانیم. او ازلی است و آفریننده هستی ازلی. اورمزد نخستین صاحب اندیشه، زاینده هستی، زاینده اشته، نخستین آفریننده جهان‌ها و دئناها، آورنده نخستین قوانین هستی، و تنها کسی است که به آغاز هستی آگاه است. پس کل هستی با ملزومات آن، زمان، مکان، جهان‌ها، دئناها، و قوانین آن‌ها به اورمزد وابسته و از طریق اوست که هستی دارد.

چنانچه به باورهای فلاسفه و الهیون درباره آفرینش توجه کنیم، آن‌ها یک نقطه معین و مشخص از زمان برای خلقت قائل‌اند و از آن به‌عنوان یک روی داد زمانی یاد می‌کنند (ایزوتسو ۱۳۸۳: ۱۳۴-۱۳۵). پس درمی‌یابیم که بین این باور و استفاده از واژه «نخستین» در گاهان به‌عنوان نقطه مشخص و معین زمانی برای آغاز آفرینش شباهتی دیده می‌شود.

اورمزد هم‌چنین نخستین در زایش هستی است. به‌نظر می‌رسد گاهان برای بیان آفرینش از واژه «زایش» استفاده کرده است. زایش مفهومی متفاوت با ساختن و پرداختن را می‌رساند، زیرا

فرزندآوری خود امری متفاوت است. در زایش وجودی از درون خود به بیرون متجلی و متکثر می‌شود. وقتی گاهان از زایش هستی نخستین می‌گوید درحقیقت تجلی هستی نخستین را به‌عنوان بخشی از وجود خود آفریننده جلوه‌گر می‌کند؛ به این معنی که همه آن‌چه توسط اورمزد زاییده شده تجلی اوست و ما را با مفهومی شبیه به «سرچشمه وجود» در باور عرفا مواجه می‌کند (همان: ۱۶۳). عرفا در بیان مفهوم آفرینش از واژه «خلقت» استفاده نمی‌کنند و، به‌جای آن، «تجلی» یا «ظهور» را به‌کار می‌برند.^{۱۴} فرآیند تجلی و ظهور چگونگی انتشار کثرت از مقام وحدت را روشن می‌کند (یزدان‌پناه ۱۳۹۷: ۳۱۳). در فرآیند ظهور و تجلی، صفاتی که در ذات حق به‌حالت کمون حضور دارند ظاهر و متجلی می‌شوند (همان: ۲۲۰). پس تمامی آن‌چه در وجود خارج رخ می‌دهد تجلی وجود حق است (همان: ۵۲۲). بدین ترتیب، مفهوم عرفانی آفرینش ظهور صفات سرچشمه وجود یا ذات حق است که به تکثر منجر می‌شود. به همین شکل، در گاهان نیز «زایش» تمثیلی^{۱۵} برای تجلی یا ظهور حق است (عالیخانی ۱۳۷۹: ۷۴). به همین دلیل، احتمالاً در گاهان دیدگاهی عارفانه به خلقت نخستین وجود داشته که سراینده را به استفاده از واژه زایش، ریشه *zā-*، به‌جای واژه آفریدن، ریشه *dā-*، مجبور می‌کرده است.

در یسن ۵۱، بند ۱۰، از آفرینش دروج نیز سخن گفته شده است:

huuō dāmōiš drūjō hunuš # tā duždā yōi hōntī (Y. 51/ 10/ b).

او (دشمن زردشت) فرزند اهریمنی آفریننده دروج است، همراه او نابخشندگان برای آن‌هایی که هستند (Humbach 1991: I, 188).

این‌جا از ریشه *hu-* به‌معنی «زادن اهریمنی» و *dā-* استفاده شده است. همانند اورمزد، دروج با تجلیاتی که به فرزندآوری تشبیه شده همراه است، اما اهریمن مستقیماً زاینده دروج خوانده نمی‌شود. همان‌گونه‌که هومباخ به‌درستی توضیح می‌دهد، هیچ‌گونه فعالیت آفرینشی برای اهریمن در گاهان در نظر گرفته نشده است (Humbach 2010: 39) و هیچ رابطه‌ای بین او و زایش هستی نخستین وجود ندارد.

۴. بخشنده و بخشندگی در گاهان

بخشندگی نیز، مانند آفرینندگی، از مباحث مهم گاهان است و برای نشان‌دادن آن از ریشه *dā-* استفاده می‌شود. دو ریشه هندواروپایی *daH¹* به‌معنی «بخشیدن» و *daH²* به‌معنی «قرار دادن»، که *dā-* به‌معنی «آفریدن» از این ریشه مشتق شده است، در اوستایی به *dā-* تبدیل شده و باور زبان‌شناسان بر این است که در بیش‌تر موارد در متن اوستایی به‌دلیل نزدیکی مفهوم دو ریشه

نمی‌توان این دو ریشه را از هم تشخیص داد و فقط در گاهان در بند ۴ یسن ۳۰ می‌توان به‌درستی تشخیص داد که فعل از daH^2 مشتق شده است (Cheung 2007: 45) و احتمالاً کلنز (Kellens and Pirart 1990: II, 256) به همین دلیل این دو را از هم جدا نکرده است و معنی «آفرینش» نیز برای این ریشه قائل نیست. شروو (Skjærvø 2006: 13) نیز، با در نظر گرفتن ریشه $-dā-$ در معنی «قراردادن»، به‌نظم‌درآوردن آفرینش را برجسته‌ترین نقش اورمزد می‌داند و باور دارد که اورمزد همه اجزای آفرینش را در جایگاه درست قرار می‌دهد. در این پژوهش، به‌دلیل استفاده از مفهوم «بخشیدن» به‌عنوان مکملی برای آفرینش، بیش‌تر معنی «بخشیدن» در گاهان مدنظر بوده است.

در گاهان، اورمزد به‌هم‌راه اشه و آرمیتی بخشنده‌اند، اما تنها اورمزد است که هستی می‌بخشد. در یسن ۴۶، بند ۱۳، اهورامزدا هستی‌بخشنده است:

yō spitāmōm # zaraōuštrēm rādanhā
marətaēšū xšnāuš # huuō nā frasrūidiāi ērəθō
at hō mazdā # ahūm dadāt ahurō (Y. 46/ 13/ a, b, c).

آن‌که زرتشت سپیتمان را با رادی

در میان مردم خشنود کند

آن مرد قابل‌ستایش است، پس مزدا اهوره به او هستی می‌بخشد (Humbach 1991: I, 171).

در این بند تنها سخن از هستی‌بخشی است، اما، افزون‌بر آن، اورمزد مزد و پاداش، نیرو، شهریاری، کمال، بی‌مرگی، کام‌یابی، و نیروی اندیشه نیک و آیفِت زندگی خوب نیز می‌بخشد.

در یسن ۲۹، بند ۱۰، اهوره نیرو و شهریاری بخشنده است:

yūžəm aēibiiō ahurā # aogō dātā ašā xšaerəmcā (Y. 29/ 10/ a).

شما ای اهوره، از طریق اشه به آن‌ها نیرو نیز خشنود ببخش (ibid.: 122).

در یسن ۳۱، بند ۲۱، مزدا اهوره بخشنده خرداد و امرداد است:

mazdā dadāt ahurō # hauruuatō amərətātascā
būrōiš ā ašaiiācā # x^vāpaiēiāt xšaerahiiā sarō
vanhəuš vazduarə manəhō # yə hōi mainiiū šiiəoəanāišcā uruuəō (Y. 31/ 21).

مزدا اهوره پناه‌های خرداد و امرداد را می‌بخشد

و [پناه‌های] فراخ برآمده از اشه و خشنود خود را

و نیروی اندیشه نیک را به آن‌که با اندیشه و کردارها [یش] در اتصال او است (ibid.: 131).

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۱۵

در یسن ۵۱، بند ۷، اورمزد سازنده گاو، بخشنده آب‌ها و گیاهان و بی‌مرگی و کمال، نیروی جسمی و جوانی است:

dāidī mōi yē ǵam tašō # apascā uruuarāscā
amərətātā hauruuātā # spəništā mainiiū mazdā
təuušī utaiiūtī # mananḥā vohū sōḡhē (Y. 51/ 7).

تو که گاو را ساختی^{۱۶}، آب‌ها و گیاهان را به من ارزانی دار
امرداد و خرداد را از طریق مینوی فزونی‌بخشت، ای مزدا
نیرو و جوانی را از طریق اندیشه نیک در سخن [ت] (Humbach 1991: I, 187).

اما اورمزد در یسن ۴۷، بند نخست، همراه با خشره و آرمئیتی، بخشنده خرداد و امرداد است:

ahmāi dan # hauruuātā amərətātā
mazdā xšaerā # ārmaitī ahurō (Y. 47/ 1, c, d).

به او خرداد و امرداد را خواهند داد
اهوره به یاد خواهد آورد با خشره و آرمئیتی^{۱۷} (ibid.: 174).

اورمزد همچنین در یسن ۵۳، بند ۱، آیفست زندگی خوب و در یسن ۴۳، بند ۲، زندگی دراز
همراه با شادی می‌بخشد:

yā dā ašā # vanḥəuš māiiā mananḥō
višpā aiiārō # darəgō.jiiātōiš uruuādanḥā (Y. 43/ 2, d, e).

برکت‌های اندیشه نیک را که از راه اشته می‌بخشی [ای مزدا] (ibid.: 151).

در یسن ۲۸، بند ۷، اورمزد، اشته، و آرمئیتی پاداش می‌بخشند:

dāidī ašā tam ašim # vanḥəuš āiiaptā mananḥō
dāidī tū ārmaitē # vištāspāi ištəm maibiiācā

ای راستی، آن پاداش را ببخش، آیفست اندیشه نیک را
ای مزدا، ببخش و فرمان ده که با آن مانثره رادی‌های شما را بشنویم (ibid.: 118).

آرمئیتی در یسن ۳۰، بند ۷، جان را و نیز در یسن ۴۳، بند ۱، ثروت و زندگی اندیشه نیک
را می‌بخشد:

aṭ kəhrpəm utaiiūtiš # dadāt ārmaitiš ǵnmā (Y. 30/ 7/ b).

پس جوانی، پیکر را و آرمئیتی جان را می‌بخشد (ibid.: 124).

در یسن ۴۳، بند ۱، نیز اورمزد و آرمئیتی بخشنده‌اند:

... mōi dā ārmaitē

rāiio ašiš # vanhəuš gaēm mananhō (Y. 43/ 1, d, e).

ای آرمیتی، پاداش‌های ثروت و زندگی اندیشه نیک را به من ببخش (ibid.: 151).

در گاهان، اورمزد بخشنده پاداش بی‌مرگی، کمال، نیرو، پایداری، و زندگی خوب و دراز است. همه آن‌چه او می‌بخشد از طریق بهمن، اشه، خشره، و آرمیتی است. اشه نیز بخشنده پاداش و آرمیتی بخشنده نیرو، جان، و تن است. پس، برخلاف ظهور و تجلی آفرینش یا همان «زایش هستی نخستین»، که فقط به اورمزد منحصر است، برخی از شخصیت‌های دیگر گاهانی می‌توانند بخشنده باشند که این بخشنده‌گی شامل ملزومات رسیدن به زندگی نیک و درست است.

۵. سازنده و سازندگی در گاهان

مبحث سازندگی در گاهان با ریشه taš- به معنی «ساختن» و «شکل دادن» نشان داده می‌شود. شروو (Skjærvø 2006: 13)، براساس همین ریشه، اورمزد را سازنده خلقت می‌داند. نخستین بار در یسن ۲۹، بند نخست، به واژه ساختن از این ریشه برمی‌خوریم:

xšmaibiiā gəuš uruā gərəždā # kahmāi mā ɒ̌arōždūm kə

mā tašaṭ (Y. 29/ 1/ a).

روان گاو نزد شما شکایت کند. از بهر که مرا ساختید؟ چه کسی مرا پرداخت؟ (Humbach 1991: I, 120).

سپس در بند دوم از همین یسن می‌گوید:

adā tašā gəuš pərəsaṭ # ašəm kaəā tōi gauuōi ratuš (Y. 29/ 2/ a).

سپس سازنده گاو از اشه پرسید که داوری تو برای گاو چگونه است؟ (ibid.: 120).

و باز در بند ششم از همین بند به واژه سازنده گاو برمی‌خوریم؛ آن‌جاکه می‌گوید:

aṭ zī ɒ̌ā fšuiiaṇtaēcā # vāstriiāicā ɒ̌ōrəštā tatašā (Y. 29/ 6/ c).

زیراکه تو را سازنده از برای شبان ساخته است (ibid.: 121).

در یسن ۳۱، بند ۹، از سازنده گاو با صفت «بسیار خردمند» یاد شده است:

ɒ̌ōi as ārmaitiš # ɒ̌ā gəuš tašā as.xratuš (Y. 31/ 9/ a).

از آن تو بود آرمیتی، از آن تو بود هم‌چنین سازنده بسیار خردمند گاو (ibid.: 128).

کلنز سازنده گاو را پسر اورمزد می‌داند (Kellens and Pirart 1988: I, 115).

سپس در بند ۱۱، آن‌گاه‌که درباره شکل دادن رمه‌ها و دئنها سخن می‌گوید، از مزدا نام می‌برد:

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۱۷

hiiaṭ nō mazdā paouruuīm # gaēōāscā tašō daēnāscā (Y. 31/ 11/ a).

پس آن‌گاه که ای مزدا از برای ما بنیاد را، رمه‌ها، و دثناها را شکل دادی (Humbach 1991: I, 129).

در یسن ۴۴، بند ۷، درباره سازنده آرمئیتی می‌پرسد:

taṭ ɒβā pərəsā # ərəš mōi vaocā ahurā

kē bərəxḏaṃ tāšt # xšaerā maṭ ārmaitīm (Y. 44/ 7/ a,b).

این را از تو می‌پرسم: به‌راستی به من بگو ای اهوره!

چه کسی آرمئیتی ارجمند را همراه با خشره ساخت؟ (ibid.: 158).

در یسن ۴۷، بند ۳، اورمزد با اصطلاح «پدر مقدس این مینو» سازنده گاو معرفی می‌شود:

ahiiā mainiiōuš # tuuēm ahi <p>tā spəntō

yē ahmāi ɣaṃ # rāniiō.skərəitīm hōm tašaṭ (Y. 47/ 3/ a,b).

تو پدر مقدس این مینو هستی.

آن‌که این گاو شادی‌بخش را برای او (= مردم، جهان) ساخت (میرفخرایی ۱۳۹۶: ۲۷).

بنابر یسن‌های ۳۱/ ۹ و ۲۹/ ۲، شش سازنده گاو مینوی فزونی‌بخش است، نه اورمزد (همان: ۳۱).

در یسن ۵۱، بند ۷، اورمزد آفریننده گاو است:

dāidī mōi yē ɣaṃ tašō # apascā uruuarāscā

amərətātā hauruuātā # spənīštā mainiiū mazdā

təuuīši utaiiūitī # managhā vohū sēghē (Y. 51/ 7).

تو که گاو را ساختی، آب‌ها و گیاهان را به من ارزانی دار.

امرداد و خرداد را از طریق مینوی فزونی‌بخش، ای مزدا.

نیرو و جوانی را از طریق اندیشه نیک در سخن [ت] (Humbach 1991: I, 187).

می‌بینیم که در گاهان برای گاو همه‌جا از واژه «ساختن» و «شکل دادن» استفاده شده است. سازنده گاو هم مینوی فزونی‌بخش و هم اورمزد از طریق مینوی فزونی‌بخش ذکر شده است. افزون‌بران، رمه‌ها و نیز دثناها هم ساخته و شکل داده شده‌اند. به نظر می‌رسد این‌جا با سطح دیگری از آفرینش روبه‌رو می‌شویم که، افزون‌بر اورمزد و امشاسپندان، ایزدانی چون گئوش تشن نیز فعالیت دارند.

۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه گذشت، می‌توان فرضیه این پژوهش را پذیرفت، زیرا در *گاهان*، با استفاده از سه ریشه *zā-* (زاییدن)، *dā-* (بخشیدن)، و *taš-* (ساختن)، سه مرحله آفرینش به شکل سه مرتبه متفاوت تشخیص داده می‌شود. ریشه نخست آفرینش نخستین اورمزد را با واژه «زایش» توصیف کرده است و فقط به اورمزد تعلق دارد. بدین معنی که اورمزد تجلیات خود را به شکل «زایش» نمایان و «هستی نخستین» را از درون به بیرون متجلی می‌سازد. تجلی امشاسپندان در این مرحله رخ می‌دهد. زمانی که از رمز «زایش» استفاده می‌شود یک حقیقت وحدانی در نظر گرفته شده که دیدگاهی عارفانه به کل هستی را نشان می‌دهد؛ ریشه دوم، به معنی بخشیدن، مربوط به مرحله دوم آفرینش است و زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نیروها و ملزوماتی به آفرینش نخستین، به منظور به جریان انداختن حیات، چون کمال، پایداری، نیرو، تن، و جان بخشیده می‌شود. در این مرحله از آفرینش، امشاسپندان نیز در کنار اورمزد فعالیت دارند؛ در مرحله سوم از ریشه سوم به معنی ساختن استفاده می‌شود تا نظام کل هستی چون گاو، آب، گیاه، رمه‌ها، و دناها شکل داده شود. در این مرحله نیز امشاسپندان به همکاری با اورمزد مشغول‌اند. این فرآیند در نمودار ذیل خلاصه شده است:

اورمزد/ زایش / *zā-* ← هستی نخستین / ظهور امشاسپندان



اورمزد و امشاسپندان/ بخشیدن / *dā-* ← ملزومات هستی / کمال، پایداری، نیرو، تن، و جان



اورمزد و امشاسپندان و ایزدان/ ساختن / *taš-* ← گاو، آب، گیاه، رمه‌ها، و دناها

مینوی فزونی‌بخش، که آفریننده معرفی می‌شود، در حقیقت عضوی اورمزدی است که آفرینش را تحقق می‌بخشد و نیز سایر باشندگان گاهانی در کنار اورمزد وسیله‌ای برای سامان‌دهی هستی نخستین اورمزد به شمار می‌روند. به همین سبب، ریشه *zā-* فقط برای اورمزد به کار رفته است، زیرا زاینده هستی تنها اورمزد است و هرآنچه در مینو و گیتی موجود است تجلی اوست.

باور به آفرینش با کلام در *گاهان*، که برابر با «لوگوس» اسکندرانی است، نیز توجیهی عرفانی دارد؛ بدین معنی که حرکت، که عامل تجلی اورمزد و ورود مظاهر او به قوس نزول و رسیدن به تکرار است، با حرکت برای تولید صوت نشان داده می‌شود. این‌جا کلام به صورت یکی از ملزومات آفرینش است که زایش هستی نخستین را تحقق می‌بخشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ریشه دیگری که با مفهوم آفرینش در گاهان استفاده شده $\theta\bar{\nu}ar\bar{e}s$ است، به معنی «بریدن»، که فقط در بند ۶ یسن ۲۹ به صورت اسم $\theta\bar{\nu}ar\bar{e}s\bar{t}ar$ در حالت فاعلی مفرد مذکر به کار رفته است. از آن جاکه صرف فعلی آن در گاهان نیامده و مفهوم عمل آفریدن را منتقل نمی‌کند، در این بخش در نظر گرفته نشد.
۲. در آبان‌یشت با واژه $hizuu\bar{a}r\bar{e}na$ نشان داده شده که اسم خنثی در حالت بایی و به معنی «حرکت زبان» از ترکیب $hizuu\bar{a}$ به معنی «زبان» و $ar\bar{e}na$ به معنی «حرکت و جنبش» ساخته شده است (مولایی ۱۳۹۲: ۱۵۶). در گاهان به شکل دیگری مطرح می‌شود که در ادامه شرح آن خواهد آمد.
۳. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به زرن ۱۳۷۵: ۱۷۹-۲۲۷.
۴. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به کریستن‌سن ۱۳۷۷: ۱۱-۱۳۱.
۵. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به موله ۱۳۹۵: ۴۲۹-۴۴۶.
6. see Boyce 1975: 193-204.
7. see West 2010: 9-17.
8. see Anthonioz 2017: 33-55.
۹. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به شایگان ۱۳۷۵: ۷۷-۸۲.
۱۰. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به شمس و دیگران ۱۳۹۶: ۹۲-۹۷.
۱۱. اینسler از این قطعه ترجمه دیگری ارائه می‌دهد: «مینوی تو و با زبان خود تو، آنچه به وسیله آن هستی نخستین این‌جا خواهد آمد» (Insler 1975: 27).
۱۲. این‌جا باید دقت کرد که آفرینش از طریق کلام مرتبه‌ای جداگانه محسوب نمی‌شود، بلکه روشی برای زایش و یکی از ملزومات آن به‌شمار می‌رود.
۱۳. حرکت نزد عرفا به سه معنی است: یکی تجلی وجودی، که سیر نزولی است؛ دوم تقلب آنی جواهر و تجدد ماهیات؛ و سوم سیر کشفی و رفتن از باطل به سوی حق. در قوس نزول سیر از مقام وحدت آغاز شده، وجود مطلق در مراتب تعین و در مراحل مختلف کثرت هر لحظه به صورتی تجلی می‌کند تا به نقطه نهایت قوس نزول برسد که سیر انبساطی و تجلی شهودی است (ملکشاهی ۱۳۶۳: ۱۰۱-۱۰۲).
۱۴. در عرفان نظری، حقیقت واحد ظهورات و کثراتی دارد که به صورت مظاهر و مجالی و شئون او ظاهر می‌شود (یزدان‌پناه ۱۳۹۷: ۱۶۲).
۱۵. عین‌القضات به دو امر «قلمروی عقل» و «قلمروی ورای عقل» قائل است که به صورت دو منطقه هم‌جوار و اولی دنباله‌روی دومی است (ایزوئسو ۱۳۸۳: ۱۳۱). او ساختار زبان انسان را مناسب با قلمروی عقل می‌داند و باور دارد هنگام سخن گفتن در قلمروی ورای عقل ناگزیر باید به تشبیه و تمثیل روی آورد (همان: ۱۳۳).

۱۶. در ترجمه هومباخ، این واژه «آفریدی» معنی شده است (Humbach 1991: I, 187).
۱۷. عالیخانی قطعه d1 را ترجمه می‌کند: او به وسیله خشره مزداست (عالیخانی ۱۳۷۹: ۵۳).

کتاب‌نامه

- ایزوئسو، توشیهیکو (۱۳۸۳)، *آفرینش، وجود و زمان*، ترجمه مهدی سررشته‌داری، تهران: مهراندیش.
- زئر، رابرت چارلز (۱۳۷۵)، *زروان (معمای زرتشتی‌گری)*، ترجمه تیمور قادری، تهران: فکر روز.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۵)، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- شمس، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۶)، *ادیان هند*، تهران: سمت.
- عالیخانی، بابک (۱۳۷۹)، *بررسی لطایف عرفانی در نصوص عتیق اوستایی*، تهران: هرمس.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۷)، *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
- ملکشاهی، حسن (۱۳۶۳)، *حرکت و استیفای اقسام آن*، تهران: سروش.
- مولایی، چنگیز (۱۳۹۲)، *آبان‌یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی‌سور اناهید)*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- موله، ماریان (۱۳۹۵)، *آیین، اسطوره، و کیهان‌شناسی در ایران باستان*، ترجمه محمد میرزایی، تهران: نگاه معاصر.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۶)، *زردشت و گاهان، بررسی دستوری و محتوایی دو فصل ۴۷ و ۴۸ سپنتامینوگاه (اوستا و زند)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یزدان‌پناه، سیدیدالله (۱۳۹۷)، *مبانی و اصول عرفان نظری*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- Anthonioz, S. (2017), "Création et Mazdéisme Confrontation des Conceptions Achéménide, Gāthique et Biblique", *Transeuphratène*, no. 49.
- Boyce, M. (1975), *A History of Zoroastrianism*, vol. I, Koln: Brill.
- Cheung, J. (2007), *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Boston: Brill.
- Humbach, H. (1991), *The Gāthās of Zarathushtra and the Other old Avestan Texts*, I, II, Heidelberg: Carl Winter Universitätsverlag.
- Humbach, H. and F. Klaus (2010), *Zarathushtra and His Antagonists, Asicologistic Study with English and German Translations of His Gathas*, Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Insler, S. (1975), "The Gāthās of Zarathushtra", *Acta Iranica* 8, Brill: Leiden.
- Kellens, J. and E. Pirart (1990 a), *Les Textes Vieil Avestiques*, vol. II, Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Kellens, J. and E. Pirart (1990 b), "Cosmogonie Mazdeenne Ancienne: Huttes Cosmiques en Iran", *Les Civilisation Orientales*, Université de Liège, G 28.

مراتب آفرینش در گاهان (مینا کامبین و دیگران) ۲۲۱

Skjærvø, P. O. (2006), *An Introduction to Old Avestan*, Downloaded from: ≤www.zoroastrism.ru/files/385/oldavestanprimer.pdf. 25 November 2020≥.

West, M. L. (2010), *The Hymns of Zoroaster*, a New Translation of the Most Ancient Texts of Iran, London: I. B. Tauris & Co Ltd.

